

است و اگر خوب طراحی شود، می‌توان در تمام آن چهار مورد قبلی با خیال راحت‌تر و با مسامحه‌ج‌لو رفت و حتی تکلیف یکسری مفاهیم را مشخص نکرد. اگر این مرجع قابل اعتماد باشد، می‌توان به او تکیه کرد و اگر نباشد، باید ضابطه‌پذیر و محدودش کرد. مهم‌ترین و حساس‌ترین اعتراضاتی که برای جامعه اهمیت دارد قاعدتاً ناظر به حاکمیت یا بخش‌هایی از حاکمیت است؛ بنابراین مرجع رسیدگی باید مردمی‌تر باشد تا حق اعتراض‌خنثی نشود و امکان اعتراض از بین نرود. اگر مرجع حاکمیتی باشد دست‌کم باید بخش‌هایی متولی این امر شوند که به قاعدهٔ اجتماع نزدیک‌تر و مردمی‌تر باشند. آن مرجع در انگلیس پلیس است و در کشور ما وزارت کشور، که آن هم با سه قوه‌ج‌لو می‌آیند. ظاهراً ما از انگلیس پیشرفته‌تریم، اما مسئله این است که در انگلیس ساختار پلیس ارتباط زیادی با خواست قاعدهٔ جامعه دارد و خواست مردم تأثیر دارد. در آمریکا دادستانی نماد ارادهٔ مردم است. باید بخشی از حاکمیت را متولی این امر کنیم که به بدنهٔ اجتماع نزدیک‌تر است. اگر صبغهٔ مردمی نهادهای حاکمیتی کم شده است، اساساً نمی‌توان به هیچ‌کدام از نهادهای حاکمیتی این امر را سپرد. باید به نهادی که لاقلاً تا حدودی حاکمیتی است و تا حدودی مردمی فکر کرد که تشکل‌های مردمی هم در این نهاد مرجع نقش داشته باشند.

به نظر من باید به این پنج مسئله پاسخ داده شود و پاسخ‌هایی هم که داده می‌شود، چنان باشد که اعتراض توسعه پیدا کند؛ در غیر این صورت باز همین وضع تکرار می‌شود.

### **آقای دکتر عباسی، از نظر شما برای اقامهٔ امر حقوقی این امر فرهنگی است که باید به صحنه بیاید؛ یعنی برای اجرای اصل ۲۷ باید کار فرهنگی کرد.**

بیژن عباسی: به نظر من باید حرف و سخن متفاوت را شنید. باید برای ادارهٔ امور کشور، همهٔ مردم بتوانند نظر بدهند. این طور نباشد که فقط یک گروه و یک جناح، عین نظام و عین انقلاب و عین اسلام دانسته شوند. همه گمراه باشند و فقط آن‌ها بفهمند. باید جامعهٔ چندصدایی را قبول کنیم؛ از همه طیف‌ها، همهٔ ایرانی‌ها و همهٔ کسانی که در این کشور زندگی می‌کنند. با توجه به وجه جمهوریت نظام باید مردم نظر بدهند. تشخیص مردم مصلحت است؛ چون اگر چنین نباشد باید مدام با مردم بجنگیم. یک حالت فرسایشی پیدا می‌کند و سرمایه‌های کشور از دست می‌رود. پس باید صدا و حرف دیگری را بپذیریم. چگونه؟ با پذیرش آزادی بیان و اجتماعات. سازگار چگونه باشد؟ نظر من این است یک قانون داشته باشیم با نگاه توسعه‌گرا و بدون مجوزمحوری. برای اجتماعات، شکلی قانون‌مند در نظر بگیریم تا افراد بتوانند نظرات و دیدگاه‌های خودشان را بیان کنند. در اصل ۲۷ باید «مبانی اسلام و اخلاق» را تعریف کنیم. اگر این‌ها را انجام دهیم یک گام به جلو رفته‌ایم. اگر بخواهیم سفت‌وسخت بگیریم بی‌شک دوباره همین حوادث و اعتراضات ادامه پیدا می‌کند. مردم منتظر مجوز نمی‌مانند. جامعه در حوادث مختلف بارها هشدار داده است، اما نه تنها به حرفشان توجه نشده است بلکه به آن‌ها برچسب فریب‌خورده و عامل بیگانه زده شده و خواسته‌های آن‌ها به برخی امور پیش پا افتاده تقلیل داده شده است. مردم الان، مردم چهار دههٔ پیش نیستند. ۷۵ درصد مردم کشور در شهرها و غالباً در کلان‌شهرها زندگی می‌کنند. کلان‌شهرهای ما دیگر پنج تا شهر نیست. بیش از پانزده کلان‌شهر داریم.

با اعتراضات مقابله هم نمی‌توانیم بکنیم. یک شهر کوچک که نیست. باید به شکلی قانون‌مند تسهیل